

النظر الثاني: في أقسام الطلاق

مبحث دوم: اقسام طلاق

ولفظه يقع على: البدعة، والسنة.

لفظ طلاق دو نوع است: طلاق بدعت (که باطل است) و طلاق مطابق سنت.

فالبدعة ثلاث طلاق: طلاق الحائض بعد الدخول مع حضور الزوج معها ومع غيبته، دون المدة المشتركة. وكذا النفساء. أو في طهر قريبا فيها. وطلاق الثلاث من غير رجعة بينها. والكل باطل لا يقع معه طلاق.

طلاق بدعت سه مورد است:

- ۱- طلاق دادن زنی که با او نزدیکی کرده در حالی که در حیض یا نفاس است، البته اگر مرد نزد او باشد و یا مدتی کمتر از زمان معتبر^(۱) غایب شده باشد.
- ۲- طلاق در دوره پاکتی که با او نزدیکی کرده است.
- ۳- سه طلاقه کردن زن، پشت سر هم بدون اینکه در بین آنها رجوع وجود داشته باشد. و تمام این موارد باطل است و طلاق واقع نمی‌شود.

والسنة تنقسم أقساماً ثلاثة: بائن، ورجعي، وطلاق العدة.

طلاق مطابق سنت سه مورد است: بائن،^(۲) رجعی^(۳) و طلاق عدّه.

فالبائن: ما لا يصح للزوج معه الرجعة، وهو ستة: طلاق التي لم يدخل بها، واليائسة، ومن لم تبلغ الحيض، والمختلعة، والمباراة ما لم ترجعا في البذل، والمطلقة ثلاثاً بينها رجعتان.

۱- طلاق بائن:

طلاق است که در آن مرد حق رجوع نداشته باشد، و بر شش مورد است: طلاق زنی که با او نزدیکی نکرده است، زن یائسه، زنی که هنوز به سن حیض دیدن نرسیده باشد، زنی که با خلع (۴) از او جدا شده باشد، زنی که با

1- مدت زمانی که با گذشت آن مطمئن می‌شود که همسرش از پاکتی که در آن با او نزدیکی کرده خارج و وارد پاکتی دیگری شده است، چه زن در حیض باشد یا نباشد. (مترجم)

2- طلاق است که در آن مرد حق رجوع و بازگشت ندارد. (همین مبحث)

3- طلاق است که در آن مرد حق رجوع دارد و با بازگشت مرد، دوباره زن همسر او می‌باشد و نیازی به ازدواج دوباره نیست. (ادامه همین مبحث)

4- طلاق است که به دلیل تنفر زن و به خواسته او باشد که در فصل خلع بیان خواهد شد. (مترجم)

مبارات⁽⁵⁾ از همسرش جدا شده است (تا زمانی که هر دو از بخشش مال منصرف نشده باشند)، و زنی که سه بار طلاق داده شده باشد، و بین آنها دو بار رجوع کرده باشد.

والرجعي: هو الذي للمطلق مراجعتها فيه، سواء راجع أو لم يراجع.

۲- طلاق رجعی:

طلاقى است که مرد در آن (تا قبل از اتمام عده) حق رجوع و بازگشت دارد، چه رجوع بکند یا نکند.

وأما طلاق العدة: فهو أن يطلق على الشرائط، ثم يراجعها قبل خروجها من عدتها يواقعها ثم يطلقها في غير طهر الواقعة، ثم يراجعها ويواقعها، ثم يطلقها في طهر آخر، فإنها تحرم عليه حتى تنكح زوجاً غيره، فإن نكحت ثم حلت، ثم تزوجها فاعتمد ما اعتمده أولاً، حرمت في الثالثة حتى تنكح زوجاً غيره، فإن نكحت ثم حلت فنكحها، ثم فعل كالأول حرمت في التاسعة تحريماً مؤبداً. ولا يقع الطلاق للعدة ما لم يطأها بعد المراجعة. ولو طلقها قبل الواقعة صح، ولم يكن للعدة. وكل امرأة استكملت الطلاق ثلاثاً حرمت، حتى تنكح زوجاً غير المطلق، سواء كانت مدخولاً بها أو لم تكن، راجعها أو تركها.

۳- طلاق عده:

طلاقى است که با وجود تمام شرایط، زنش را طلاق می‌دهد، سپس قبل از اتمام عده به او رجوع و با او نزدیکی می‌کند، سپس او را در دوره پاکى که با او نزدیکی نکرده است طلاق دهد، سپس دوباره رجوع و نزدیکی کند، سپس در دوره پاکى دیگر او را طلاق دهد، پس در این حالت آن زن بر او حرام می‌شود، تا زمانی که با مرد دیگری ازدواج کند و طلاق بگیرد، و بعد از آن بر شوهر اولش حلال می‌شود، و اگر دوباره با آن زن ازدواج کند و باز هم همین اتفاق بیفتد (یعنی سه بار به همین شکل او را طلاق دهد) آن زن بر او حرام می‌شود تا هنگامی که با مرد دیگری ازدواج کند و طلاق بگیرد و اگر بعد از آن باز هم این اتفاق تکرار شد یعنی سه بار دیگر به همین شکل او را طلاق داد. آن زن بر مرد حرام ابدی می‌شود.

طلاق عده واقع نمی‌شود مگر زمانی که بعد از رجوع با او نزدیکی کند، و اگر او را قبل از نزدیکی طلاق دهد صحیح است، ولی طلاق عده محسوب نمی‌شود.

هر زنی که سه بار طلاق داده شود، با او نزدیکی کرده باشد یا نکرده باشد، رجوع کرده باشد یا نکرده باشد، آن زن بر او حرام می‌شود تا زمانی که با مرد دیگری ازدواج کند و طلاق بگیرد.

مسائل ست:

شش مسئله:

5- طلاقى که با تنفر و درخواست دو طرف باشد و توضیح آن در فصل مبارات بیان خواهد شد. (مترجم)

الأولى: إذا طلقها فخرجت من العدة، ثم نكحها مستأنفاً، ثم طلقها وتركها حتى قضت العدة، ثم استأنف نكاحها، ثم طلقها ثالثة حرمت عليه حتى تنكح زوجاً غيره. فإذا فارقها واعتدت جاز له مراجعتها، ولا تحرم هذه في التاسعة، ولا يهدم استيفاء عدتها تحريمها في الثالثة.

اول: هنگامی که زنش را طلاق دهد و بعد از اتمام عدّه دوباره با او ازدواج کند، سپس او را طلاق دهد و رهايش کند و بعد از اتمام عدّه دوباره با او ازدواج کند، سپس برای بار سوم او را طلاق دهد، آن زن بر او حرام می شود تا زمانی که با مرد دیگری ازدواج کند و طلاق بگیرد و عدّه نگه دارد و مرد مجاز به رجوع به او بشود. این طلاق ها⁶ باعث نمی شود در نهمین بار زن بر مرد حرام ابدی شود، و البته سپری کردن عدّه باعث نمی شود که در سومین طلاق، زن بر او حرام نشود.

الثانية: إذا طلق الحامل وراجعها جاز له أن يطأها، ويطلقها في الثانية للعدة، ويجوز للسنة (أي من دون موقعة).

دوم: اگر زن حامله را طلاق دهد سپس رجوع کند، جایز است با او نزدیکی کند، و می تواند بعد از آن او را طلاق عدّه (بعد از نزدیکی) یا طلاق سنت بدهد (یعنی بدون نزدیکی کردن او را طلاق دهد).

الثالثة: إذا طلق الحائل، ثم راجعها، فإن واقعتها وطلقها في طهر آخر صح. وإن طلقها في طهر آخر من غير موقعة صح أيضاً. ثم لو راجع وطلقها ثالثاً في طهر آخر حرمت عليه. ولو أوقع الطلاق بعد المراجعة وقبل الموقعة في الطهر الأول يصح، ولو وطأ لم يجز الطلاق إلا في طهر ثان، إذا كانت المطلقة ممن يشترط فيها الاستبراء.

سوم: اگر زنی که حامله نیست را طلاق دهد سپس رجوع کند، اگر با او نزدیکی کند و در دوره پاکي دیگر او را طلاق دهد صحیح است، و همچنین اگر بدون اینکه با او نزدیکی کند او را در پاکي دیگری طلاق دهد صحیح است. سپس اگر دوباره رجوع کند و برای سومین بار در پاکي دیگری طلاق دهد، آن زن بر او حرام می شود. اگر بعد از رجوع و قبل از نزدیکی در پاکي اول طلاق دهد صحیح است، و اگر نزدیکی کند طلاق صحیح نیست، مگر در پاکي دیگر؛ البته اگر زن از کسانی باشد که استبراء⁷ در آنها شرط است.

الرابعة: لو شك المطلق في إيقاع الطلاق لم يلزمه الطلاق لرفع الشك، وكان النكاح باقياً.

چهارم: اگر مرد شک کند که طلاق داده است یا نه، لازم نیست برای از بین بردن شک زنش را طلاق دهد، بلکه ازدواج به قوت خود باقی است.

6- که زن عدّه را به پایان می رساند و دوباره مرد با او ازدواج می کند. (مترجم)

7- یعنی با رعایت عدّه از حامله نبودن اطمینان حاصل کند؛ که این مورد در زن یائسه و زنی که با او نزدیکی نشده است شرط نیست. (مترجم)

الخامسة: إذا طلق غائباً، ثم حضر ودخل بالزوجة، ثم ادعى الطلاق، لم يقبل دعواه ولا بينته، ولو كان أولد لحق به الولد.

پنجم: اگر غیابی زنش را طلاق دهد، سپس وقتی نزد او آمد با او نزدیکی کند و سپس ادعا کند که او را طلاق داده است، در این صورت ادعا و دلیلی که ارایه دهد پذیرفته نمی‌شود و اگر زن بچه‌دار شود به آن مرد نسبت داده می‌شود.

السادسة: إذا طلق الغائب، وأراد العقد على رابعة، أو على أخت الزوجة، صبر تسعة أشهر؛ لاحتمال كونها حاملاً. ولو كان يعلم خلوها من الحمل، كفاه ثلاثة أقراء أو ثلاثة أشهر.

ششم: اگر مردی غیابی همسرش را طلاق دهد سپس بخواهد با زن چهارمی و یا خواهر آن زنی که طلاق داده است ازدواج کند باید نه ماه صبر کند، چون احتمال دارد آن زن حامله باشد، و اگر بداند حامله نیست، گذراندن سه دوره حیض یا سه ماه کفایت می‌کند.